دستاوردهای جنبش «من هم» در ایالات متحده

وقتی قانون‌گذار صدای اعتراض را می‌شنود

آنا ورث / وُکس: زمانی که تارانا برک در سال ۲۰۰۶ جنبش «من هم» را آغاز کرد، یک هدف عمده و بزرگ داشت: خرد‌کردن درباره آزارهای جنسی رخ‌داده و البته درک بازمانده‌ها و آسیب‌دیده‌ها. حتی وقتی خانم آلیسا میلانو، بازیگر هالیوودی ۱۱ سال بعد و در پی دستگیری هاروی واینشتاین (تهیه‌کننده معتبر هالیوودی و آزارگر جنسی)، در توییتی به این موضوع اشاره کرد، هدفش این بود که ماجرا به قدری عمومی شود تا جامعه آمریکایی نسبت به آن حساس شود و واکنش نشان دهد. یادمان باشد هدف این جنبش هرگز این نبود که مردان اخراج شوند. آنها دنبال آگاهی و تغییر در جامعه آمریکایی بودند. با گذشت چند سال از موج سنگین جنبش «من هم» جامعه آمریکایی چه دستاوردهایی داشته است؟ آیا این جنبش به اهداف خود نزدیک شده است یا نه؟

لغو ممنوعیت قرارداد افشای آزار جنسی

پرونده هاروی واینشتاین را که بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم یکی از دلایلی که باعث شد سوءرفتارها و آزار جنسی این شخص دیر افشا شود، قراردادهایی بود که او به اطرافیانش تحمیل می‌کرد و اجازه نمی‌داد آنها درباره وقایع رخ‌داده حرف بزنند. بر اساس این قراردادها مثلا زلدا پرکینز، دستیار هاروی واینشتاین، چیزی حدود ۳۰ سال سکوت کرد و بر آزارهایی که دید سرپوش گذاشت.

جنبش «من هم» موفق شد این قراردادها را دست‌کم در برخی ایالت‌های آمریکا مثل کالیفرنیا، نیوجرسی و نیویورک لغو کند. به‌این‌ترتیب هرگونه قراردادی که مفهوم آن سکوت درباره آزار جنسی و رفتارهای توهین‌آمیز باشد، ممنوع است.

تصویب قوانین حمایتی برای کارگران ضعیف و پیمانکاران مستقل

قوانین ایالتی در زمینه آزار و اذیت جنسی از پیمانکاران «مستقل» حمایت نمی‌کند و اغلب حامی کارمندان است. بنابراین شهروندانی که خویش‌فرما هستند، از بازیکران تا همزندان آرایشگر و رانندگان اوبر و... اگر مورد تعرض جنسی واقع شوند، چندان از حمایت قانون برخوردار نخواهند بود. علاوه بر این، میلیون‌ها کارگر مزرعه و خانه هستند که در مزارع کار می‌کنند یا در خانه‌ها مشغول نگهداری از کودکان هستند و... آنها برای کارفرماهایی با کمتر از ۱۵ کارمند کار می‌کنند. اگر این افراد هم مورد آزار و اذیت قرار بگیرند، از حمایت قانونی چندانی برخوردار نیستند.

پس از جنبش «من هم» تغییر این قوانین کلید خورد و در برخی ایالت‌ها مثل کالیفرنیا و نیویورک، قوانین حمایتی مربوط به آزار و اذیت جنسی تعداد بیشتری از کارکران و کارمندان خویش‌فرما را پوشش داد.

ایجاد صندوق مالی برای کمک به آزاردیده‌ها

طرح دعواهای آزار جنسی و سوءرفتارها در دادگاه‌های آمریکا، امری گران و پرهزینه است. بسیاری از کسانی که آزار دیده‌اند، به دلیل هزینه بالای این فرایند دست از شکایت برمی‌دارند و به اجبار سکوت می‌کنند. آنها همواره در موفقیت قربانی می‌مانند و به عدالت نمی‌رسند. به همین دلیل تعدادی از فعالان هالیوودی این جنبش صندوقی راه انداخته‌اند تا به آسیب‌دیده‌های فرودست در این زمینه کمک کنند. این صندوق از سال ۲۰۱۸ شروع به کار کرده و موفق شده است با بیش از ۲۴ میلیون‌دلاری که جمع کرده، بیش از سه‌هزار و ۶۰۰ نفر را به وکلا و حقوق‌دان‌ها وصل کند، برای متال یکی از کارگران جوان یک‌دوئاند به کمک همین صندوق موفق شده است شکایتی علیه کارگر دیگری که به او آزار رسانده طرح کند.

تلاش برای پایان قانون حداقل دستمزد

چشم کارگرانی که در رستوران‌ها کار می‌کنند، بیش از هر چیزی به انعامی است که از مشتری‌های می‌گیرند. درواقع مبلغی مشخص به‌عنوان دستمزد کارگر رستوران بر عهده کارفرماست و بخش دیگر آن با انعام مشتری‌ها پُر می‌شود. این قانون باعث می‌شود کارگران هرگونه آزار و اذیت از سوی مشتری‌ها را به هوای کم‌نشدن انعامشان تحمل کنند.

فعالان جنبش «من هم» تلاش کرده‌اند قانون حداقل دستمزد را تغییر دهند تا دست‌کم حقوق کارگران رستوران‌ها که اغلب از میان قشر ضعیف و کم‌درآمد هستند و صدایشان هنگام تعرض درنمی‌آید، حفظ شود. این تلاش‌ها تا حدودی جواب داده و باعث تصویب افزایش حداقل دستمزد شده است.

اصلاح قوانین داخلی کنگره

کنگره آمریکا متأثر از جنبش «من هم» برای اصلاح قوانین داخلی خود که مانع از شنیدن صدای کارمندان آزاردیده بود، قدم‌هایی برداشته است.

یکی از این گام‌ها حذف دوره اجباری سه‌ماهه انتظار است. تا پیش از جنبش «من هم» و اصلاح قانون، طبق آیین‌نامه داخلی کنگره به‌عنوان یک محل کار، اگر کارمندان از اعضای کنگره در زمینه آزار و اذیت جنسی شکایتی مطرح می‌کردند، باید یک دوره سه‌ماهه انتظار را پشت‌سر می‌گذاشتند و در این مدت ماجرا از طریق میانجی و مشاوره پیگیری می‌کردند.

همچنین کنگره مجوز استفاده از پول مالیات‌دهندگان برای پوشش تسویه‌حساب‌های مربوط به شکایت‌های جنسی و آزار و اذیت‌ها را هم لغو کرده است. تا پیش از اصلاح آیین‌نامه کنگره، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ چیزی حدود ۳۰۰ هزار دلار از وجوه مالیات‌دهندگان برای این امر هزینه شده بود.

پرداخت غرامت به آسیب‌دیده‌ها

برگزاری دادگاه لری نصار، پزشک سابق تیم ملی ژیمناستیک زنان آمریکا یکی از نقاط عطف وقایع پس از جنبش «من هم» در آمریکاست. این پزشک به دلیل تعرض به بیش از ۱۰۰ ژیمناست دختر آمریکایی به ۴۰ تا ۱۷۵ سال زندان محکوم شد. او پرونده‌ای در زمینه پورنوگرافی کودکان هم داشت و بابت آن حکم ۶۰ سال زندان گرفت اما این همه ماجرا نیست. پای مقامات دانشگاه میشیگان هم به پرونده باز شد، چراکه در انجام امور حفاظتی سهل‌انگاری کرده‌اند و حواسشان به امنیت روحی و جسمی ورزشکاران نبوده است. در جلسات دادگاه این پزشک و مقامات، بسیاری از خانواده‌ها از رنج‌هایی که متحمل شده بودند و تجربیات تلخ فرزندانشان حرف زدند. درنهایت وکلای این پرونده موفق شدند دانشگاه را وادار کنند صندوقی برای پرداخت غرامت به دخترانِ ژیمناست و خانواده آنها ایجاد کند. این صندوق با سرمایه‌ای حدود ۵۰۰ میلیون دلار ایجاد شد و دانشگاه پذیرفت به حدود ۳۰۰ تن از آسیب‌دیده‌های درجه یک و درجه دو از ۲۵۰ هزار تا ۲/۵ میلیون دلار غرامت بپردازد.

تغییر نگاه آمریکایی‌ها به قدرت

اگر جنبش «من هم» رخ نداده بود، شاید برت کاوانا امروز روی کرسی قضاوت دیوان عالی نشسته بود. اما این جنبش باعث شد صدای اعتراض کریستین بلیزی فورد به‌خوبی شنیده شود و اعتبار این قاضی برای نشستن بر کرسی بالاترین نهاد قضایی در آمریکا تأیید نشود.

این اتفاق به‌وضوح نشان می‌دهد نگاه آمریکایی‌ها به جایگاه قدرت و افراد قدرتمند تغییر کرده است. دیگر مردان نمی‌توانند در برخورد با زنان به رفتارهای توهین‌آمیز ادامه دهند و تعرض کنند و از اجرای عدالت در امان بمانند. نظرسنجی‌ها بعد از ماجرای برت کاوانا نشان می‌دهد دست‌کم نیاته ۵۰ درصد آمریکایی‌ها به موضوع قدرت تغییر کرده است. به نظر می‌رسد هدف اصلی جنبش من هم که تارانا برک آن را پایه گذاشت، کم‌کم محقق می‌شود؛ آسیب‌دیده‌ها حرف می‌زنند و صدایشان شنیده می‌شود.

نگاه جهانی به جنبش «me too»

سحر طلوعی

جنبش می‌تو یا «من هم» چیست؟ چرا به این نام مشهور شد؟ از کجا و چطور شروع شد؟ با وقتی حرفی، گزارشی و ادعایی از بازماندگان/ قربانیان این وقایع شنیدیم، چه بگوییم، چه کار بکنیم و چه واکنشی نشان دهیم؟ و سؤالاتی از این دست برای ما که خیلی وقت نیست با این نام و حرکت آشنا شده‌ایم، همواره مطرح بوده است و خواهد بود. شاید رجوع به تجربه جهانی این اتفاق و خواندن شرح بیروزی‌ها و شکست‌های آنها راه‌گشاتر باشد و جواب دست‌کم بخشی از پرسش‌های‌مان را بدهد.

نکته درخورتوجه دیگر در رجوع به تجربه جهانی در این حرکت ما را با موضوع دیگری هم آشنا می‌کند؛ آسیب‌شناسی و اصلاح قانون. اینکه حاکمیت و نهاد تصمیم‌گیر چگونه صدای بازماندگان را می‌شنود و چگونه واکنش نشان می‌دهد یا اینکه مخالفان این جنبش چه می‌گویند و چه خواسته‌هایی دارند و به چه چیزی اعتراض می‌کنند، ما را یک گام جلوتر می‌برد و خطای‌مان را کاهش می‌دهد.

این سه مطلب سعی می‌کند تجربه جهانی جنبش می‌تو را پیش‌روی‌مان بگذارد.

چرا زنان از جنبش «من هم» نگران هستند

یک سال پس از راه‌افتادن موج سنگین جنبش «من هم» در آمریکا در سال ۲۰۱۷، برخی رسانه‌ها مثل «ووکس» و «مورنینگ کانسولت»، به هوای آسیب‌شناسی این حرکت و روش‌کردن زوایای پنهان آن چندین نظرسنجی راه انداختند و نگاه زنان را به این جنبش از نو مرور کردند. در این نظرسنجی‌ها مشخص شد زنان دچار نگرانی‌ها یا به عبارت بهتر دچار پرسش‌هایی متعدد شده‌اند.

نظرسنجی‌های انجام‌شده در این رسانه‌ها نشان می‌دهد بیشترین نگرانی زنان درباره مردانی است که کاهی به دروغ متهم به آزار و اذیت جنسی می‌شوند. این زنان در واقع برای مردانی نگران شده‌اند که اهل رفتارهای متعرضانه نیستند، اما ممکن است در هیاهوی این جنبش، از سر دشمنی و خصومت یا حتی به اشتباه گرفتار اتهامات آزارگری جنسی شوند و اعتبار اجتماعی خود را از دست بدهند.

یکی از زنان شرکت‌کننده در این نظرسنجی‌ها می‌گوید: «پدرم در محل کارش در جواب یکی از همکاران زنش که از او کاری خواسته، کفته چشم‌عزیزم این کار را انجام می‌دهم. آن زن در واکنش به جمله «چشم عزیزم»... از پدر این خانم خواسته دیگر با این نوع کلمات با او صحبت نکند! زن شرکت‌کننده در نظرسنجی می‌گوید پدرم مرد محترمی است و با عصبانیت و ناراحتی آمده خانه و کفته من اصلا قصد و منظوری نداشتم، اما نمی‌دانم آن خانم چرا این‌طور کفت... او از اینکه پدرش ناخواسته در جایگاه فرد آزارگر یا نزدیک به این صفت قرار گرفته ناراحت و نگران شده است.

دومین نگرانی عمده زنان از جنبش «من هم» درباره خودشان به عنوان زن است. زنی که می‌خواهد کار کند و مستقل باشد، اما این جنبش کویی فرصت‌های شغلی را ناخواسته و از سر ترس از او می‌گیرد. منظور ترسی است که کارفرماها بعد از جنبش «من هم» برای کارکردن با زنان پیدا کرده‌اند. کارفرماها در یک موقعیت برابر ترجیح می‌دهند با مردان کار کنند تا زنان. آنها نگرانند مبادا در محل کار اتفاقی بیفتد که معنی‌اش تعرض به زنان باشد و دست آخر دچار دردسر شوند.

این اتفاق، باعث شده زنان برای کارکردن و استقلال مالی دچار دردسرهایی شوند که شاید پیش از این کمتر با آن مواجه بوده‌اند. آنها فرصت‌های شغلی را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند!

در نظرسنجی‌های صورت‌گرفته سومین موردی که شرکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند، عدالت در تعیین جریمه برای مجرم است. زنان شرکت‌کننده به وضوح از عدم رعایت عدالت دلخور هستند و از اینکه جریمه با جرم تناسبی ندارد شکایت دارند. ناشنایی با نحوه رفتارها و شناختن کلمات و بار آنها در روابط کاری و غیرکاری موضوع دیگری است که زنان و مردان نسبت به آن ابراز نگرانی کرده‌اند. مثلا مردان می‌گویند اگر در محیط کاری از رنگ لباس همکار زنشان تعریف کنند، مصداق تعرض است یا رفتاری است که می‌شود از آن برداشت سوء داشت؟ اگر مثلا در سالن‌های ورزشی درباره چاقی و لاغری یک زن صحبت کنند، نظرشان را درباره رنگ مو یا شکل آن بگویند، چه برداشتی ممکن است از حرفشان بشود؟ به آزارگری متهم می‌شویم یا نه؟ و پرسش‌هایی دیگر از این دست.

آیا معنی این نگرانی‌ها این است که زنان ترجیح می‌دهند فعالیت جنبش «من هم» متوقف شود؟ هرگز. نه زنان می‌خواهند آنها به دروغ به کاری که نکرده‌اند متهم شوند. آنها فقط می‌خواهند از آزارهایی که دیده‌اند حرف بزنند، حرفشان شنیده شود و در نهایت عدالت اجرا شود.

این زنان نگران که از قضا خودشان از هواداران جنبش «من هم» هستند، دوست ندارند این حرکت به بیراهه برود و با دروغ و اشتباه، اصل و هویت آن ضربه ببیند. آنها می‌گویند به‌بیراهه‌کشاندن این جنبش خواست مخالفان آن است. مخالفانی که سعی می‌کنند بگویند هدف زنان حذف مردان از عرصه روزگار است!

خب حالا پرسشی پیش می‌آید که برای رفع این نگرانی‌ها چه باید کرد. مرور نگرانی‌های زنان شرکت‌کننده در این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد جنبش «من هم» در کنار دستاوردهایش پرسش‌های متعددی ایجاد کرده است. پرسش‌هایی که نشان می‌دهد هم زنان و هم مردان درباره بسیاری از رفتارها و کلمات و ادبیاتشان باید تجدیدنظر کنند و پیش از آن و مهم‌تر از آن اینکه باید حرف بزنند. آن‌قدر باید درباره این موضوع حرف زده شود تا همه زوایای پنهانش روشن و شک و تردیدها و نگرانی‌ها برطرف شود و در نهایت پاسخ‌های درخوری برای پرسش‌ها به دست بیاید.

جنبش من هم بیش از هر زمان دیگری نیازمند حرف‌زدن و کفت‌وگو است. نیازمند مطرح‌بودن و مورد توجه قرارگرفتن تا عدالتی که از آن حرف به میان آمد، حاصل شود.

نگاهی به تاریخچه پویش «من هم»

جنبشی عمومی که به سرقت رفت!

سال ۲۰۱۷ بعد از افشای آزارهای جنسی تهیه‌کننده مشهور هالیوود یعنی هاروی واینشتاین به زنان بازیگر، دستیاران و کارمندانش، بازیگر آمریکایی، خانم آلیسا میلانو در توییتی نوشت: «اگر همه زنانی که مورد آزار و اذیت و سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند یا به آنها تجاوز شده است، هشتگ «من هم» را به کار بگیرند و درباره این وقایع بنویسند، آن وقت موفق می‌شویم افکار عمومی را مجاب کنیم که مشکلی بزرگ وجود دارد».

این توییت به سرعت دیده و از سوی بازیگران مطرح دیگری مثل اشلی جاد، جنیفر لارنس، کوینت پالترو، اما تورمن و... در این شبکه اجتماعی برکاربر به اشتراک گذاشته شد. رسانه‌های نوشتاری و دیداری به کمک این کارزار اینترنتی آمدند و در نهایت موجی سنگین و ویرانه‌کننده راه‌اندازی کرد که باعث واکنش مسئولان در سینمای هالیوود و نهادهای دیگر شد. اما توییت خانم میلانو همه ماجرای جنبش «من هم» نیست. در چند سال گذشته و مؤثر که پرده‌های بسیاری از آسیب‌های جنسی درکبر یا زنان بازیگر و دیگر اقشار جامعه، چهره و سرشناس را خارج از مرزهای آمریکا، در اروپا و آسیا و حتی در آفریقا کنار زده است. عقیده‌ای دست‌کم یازده‌ساله دارد. در واقع بنیان‌گذار واقعی جنبش «من هم» کسی نیست جز خانم «تارانا برک» که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ این عبارت را به کار گرفت تا از رنج‌های زنان و دختران کارگر و غیرکارگر سیاه‌پوست نویسد و بگوید.

تارانا برک، فعال اجتماعی و نویسنده سیاه‌پوست آمریکایی در سال ۲۰۰۶ در یکی از اردوگاه‌های جوانان آلاباما مشغول به کار بوده است که با دختری ۱۳ ساله و سیاه‌پوست روبه‌رو می‌شود. این دختر - کودکی به ایسن اردوگاه می‌آید تا از تجاوزجنسی بکوید. او به برک می‌گوید یکی از دوستان مادرش به او تجاوز کرده است. دخترک ایسن را می‌گوید و می‌رود. برک می‌گوید همان‌جا بود که عبارت «من هم» را به زنان آورده و آن را به عنوان نمادی برای همدردی و حمایت به کار گرفتم.

خانم برک ابتدا سایتی با نام «من هم» طراحی می‌کند تا دیگر زنان و دختران سیاه‌پوست و غیرسیاه‌پوست در آن از دردها، رنج‌ها و تجربیات تلخ‌شان در تجاوز بکویند. سپس این فعال اجتماعی از شبکه my space استفاده می‌کند تا این تجربیات تلخ را با جوان‌ترها در میان بکذارد و حرف‌های آنها را هم بشنود. تا اینکه ۱۱ سال بعد عبارت «من هم» راهی توییتر و در این شبکه اجتماعی به موضوعی همه‌کیر و داغ تبدیل می‌شود.

البته زمانی که پای عبارت «من هم» به توییتر باز می‌شود دیگر اسم و رسمی از خانم برک به میان نمی‌آید و کویی جنبش «من هم» برخلاف ایده اولیه‌اش، به کارزاری علیه آزار جنسی و تجاوز بازیکران زن اغلب سفیدپوست تبدیل می‌شود.

جنبش «من هم» آن‌طورکه تارانا برک آن را بنیان کذاشت، جنبشی اجتماعی علیه سوءاستفاده و آزار جنسی است و به «مردم» کمک می‌کند تا از تجربیات تلخ خود در این زمینه بکویند و این فجایع را عمومی کنند. عمومی‌کردن و در میان کذاشتن این تجربیات برای پرده‌برداشتن از فاجعه‌ای عمیق، مهم‌ترین هدف جنبش اجتماعی «من هم» بوده است. از دیکر اهداف این جنبش حمایت از قربانیان کم نام و نشان و معمولی است. آنهایی که تریبونی برای کفتن حرف‌هایشان ندارند. با رنجی عمیق همواره دست و پنجه نرم می‌کنند. حرفشان شنیده نمی‌شود و از همه مهم‌تر اینکه حمایت نمی‌شوند. در حقیقت اینکه جنبش «من هم» قرار بود به تعرضات جنسی در همه محیط‌های کاری و غیرکاری بپردازد که البته از سوی بازیکران سینما مصادره شد.

اشاره به این عقیده جالب می‌شود آلیسا میلانو در ادامه کارزار به نام تارانا برک و فعالیت‌هایش اشاره و تأکید کند که منشأ جنبش «من هم» چه بوده و چه هدفی داشته است و... .

تارانا برک می‌کوید جنبش «من هم» تنها به سال ۲۰۰۶ معطوف نیست و در ادامه مبارزات مدنی و حقوق بشری است و باید در این مسیر طولانی از روزنامه‌نکاری اسطوره‌های مثل «آیدا ولز بارنت» نام برد که در اواخر قرن نوزدهم از تجاوز مردان سفیدپوست به زنان و دختران سیاه‌پوست نوشت. او همچنین یادی می‌کند از ژرا بارکر که نماد فعالیت‌های مدنی زنان سیاه‌پوست در آمریکاست و برای تحقق حقوق مدنی این شهروندان زحمت کشیده و از شاهدان تجاوز به زنان و دختران سیاه‌پوست بوده است.

برک به نویسنده‌ای به نام «آلیس واکر» اشاره می‌کند که در کتابی به نام «به رنگ ارغوان» آزارهای جنسی مردان سفیدپوست علیه زنان سیاه‌پوست را ثبت کرده است. یا به آنیتا هیل که ۳۰ سال پیش به کمیته قضائی سنا اطلاع داده نامزد دیوان عالی یعنی آقای کلارنس توماس به او تعرض کرده است و... .

با اینکه جنبش «من هم» موفق شد موجی برادرانه و عظیم دست‌کم در بخش مربوط به زنان بازیکر و سرشناس در سراسر جهان به راه بیندازد، اما در ایجاد تغییرات اساسی در بخش قوانین کار و جلب حمایت قضایی در دورانی که زنان زیست آسیب‌پذیر است. این جنبش هنوز موفق نشده است صدای زنان کارگر در انواع شرکت‌ها و کارخانه‌ها و محیط‌های کاری غیر از سینما و تئاتر باشد. هرچند در عرصه ورزش آمریکا دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای داشته و پرده از وقایع اغلب‌ها برای مثل تجاوز پزشک تیم ژیمناستیک آمریکا به دختران ورزشکار برداشته است.

البته نمی‌شود از آثار قابل ملاحظه‌ای (چه خوب و چه بد) که در برخی از محیط‌های کاری به جا کذاشته است، عبور کرد. در مقاله‌ای که سال ۲۰۱۹ در نشریه هاروارد بزینس ریویو منتشر شده است، می‌خوانیم در یک نظرسنجی مشخص شده است ۱۹ درصد کارفرماهای مرد دیکر به استخدام زنان با شرط «زیبایی و جذابیت» تمایل ندارند. ۲۱ درصد شرکت‌کنندکان در این نظرسنجی کفته‌اند برای استخدام زنان در مشاغلی که روابط زنان و مردان در آن نزدیک می‌شود و احتمال بروز چنین اتفاقاتی وجود دارد یا مثلا به مسافرت نیاز دارند، متمایل نیستند. ۲۷ درصد کارفرماها ترجیح می‌دهند با همکاران زن خود به صورت انفرادی ملاقات نکنند و... .

با همه این حرف‌ها باید پذیرفت جنبش «من هم» آغاز شده و به نمادی برای مبارزه با تعرضات و آزار و ادبیات جنسی تبدیل شده است، کرچه هنوز همه اهدافش محقق نشده است.

من احساس امنیت نمی‌کنم

مینو قاسمی: دیرتر از ساعت ۹ که قرار باشد به منزل برگردد، دل توی دلش نیست. از جلوی محل کار تا ایستگاه تاکسی‌ها، حداقل چند باری برایش بوق می‌زنند. سعی می‌کند در حاشیه خیابان راه بروت تا به خوبی در معرض دید باشد. از پیاده‌روها می‌ترسد. از کوچه‌های تاریک می‌هراسد و حتی از همین حاشیه خیابان. چند باری به خودش می‌گوید. اگر یکی از همین ماشین‌ها به روز راهش را سد کند آیا کسی نجاتش می‌دهد؟ اصلا چند بار در صفحات حوادث روزنامه‌ها خوانده که دختران و زنان در روز روشن در خیابان مورد هجوم قرار گرفته‌اند و کسی اقدامی نکرده؟ قدم‌هایش را تند می‌کند و برای تاکسی‌هایی که صندلی جلوی آنها خالی است دست تکان می‌دهد. هیچ خاطره خوشبختی از صندلی‌های عقب ندارد. چند بار مورد توهین قرار گرفته؟ چند بار در مقابل دست‌درازی‌ها برای حفظ آبرو سکوت کرده و چند بار در ازای اعتراض یا بی‌خیالی راننده و مسافران دیگر تاکسی روبه‌رو شده؟

سوار تاکسی می‌شود و خودش را به در ماشین می‌چسباند. خوردن دست راننده به دسته‌اش را به هوای عوض‌کردن دنده بی‌خیال می‌شود و از پنجره بیرون را تماشا می‌کند و کمی بعد از اضطراب آنچه دیده در میان خیابان خود را از تاکسی به بیرون پرتاب می‌کند و با خاطری پریشان‌تر از آنچه می‌شود تصورش را کرد، دوان‌دوان خودش را به اولین تاکسی تلفنی می‌رساند و روی صندلی عقب پناه می‌گیرد...

این تنها نمونه کوچکی از اتفاقاتی بود که زنان در خیابان با آن مواجه هستند. اتفاقی که هر روز به عنوان یک زن خود نیز شاهد آن هستم و گاهی به عنوان یک راهگذر علیه زنان دیگر هم آن را مشاهده می‌کنم. در این سطور بزه علیه زنان بررسی می‌شود و راه‌های مبارزه با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. آیا در صورت بروز حوادثی از این قبیل راهی برای گرفتن حق و اعاده حیثیت وجود دارد؟ آیا می‌شود جرم ثابت‌نشده را به دادگاه کشاند؟ آیا بلیس می‌تواند تا جرمی واقع نشده اقدامی علیه آن انجام دهد؟ این تمام ماجرایی است که هر روز در شهرمان می‌بینیم و با آن سر و کار داریم.

بزه‌دیدگی زنان

یافته‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی نشان داده‌اند که برخی افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، بیشتر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیری در برابر بزهکاران بالقوه محسوب می‌شوند.

زنان به دلیل ضعف قوای جسمانی و وضعیت اجتماعی خاص که در آن به سر می‌برند در این چارچوب قرار می‌گیرند. رفتم سیاه بزهکاری و نامکشوف‌بودن خشونت علیه زنان در بسیاری موارد، ضریب بزه‌دیدگی آنها را به شدت افزایش داده است. از این روی بزه‌دیده‌دانستن از خشونت‌های آشکار و نهانی که بر زنان می‌رود علاوه بر آنها میدان دید ما را نسبت به فاجعه بیرامونمان وسیع‌تر می‌کند و ما را قادر می‌کند که با بهره‌کیری از راهکارهای جمعی، عوامل خشونت‌زای فرهنگی، اقتصادی، قانونی و سیاسی که اعمال خشونت علیه زنان را کسترش و تداوم می‌بخشد بشناسیم، نقد کنیم و دکرکون کنیم.

خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان، واقعیتی است تلخ و آزاردهنده که نمی‌توان آن را کتمان کرد و چشم بر مصائب افراد آن بست. اما نباید دچار کلیشه‌های رایج شد و فقط این خشونت را در آنچه تعاریف متداول و بعضا قدیمی است، انکاشت. بلکه همان‌کونه که سایر شئونات و مظاهر زندکی امروزی با کذشته تغییرات بسیاری کرده و در پاره‌ای از موارد حتی برخی از معیارها و عناوین به طور کلی شکل پیشین خود را از دست داده‌اند و محتوایی با قالبی جدید به خود کرفته‌اند. خشونت علیه زنان نیز در بسیاری از موارد با را از دایره کذشته فراتر نهاده و متاسفانه به «خشونت مدرن» علیه زنان نیز رسیده است. همان‌طور که در برخورد با بزهکاری و بزه‌دیدکی آنان آمده، شاید تلقی بسیاری از جوامع در حال توسعه یا به اصطلاح جهان سوم، این باشد که پس از کذر از وضعیت فعلی و هنکام ورود به مرحله توسعه‌یافتکی و دستیابی به اهداف جوامع صنعتی و مدرن، وضعیت کلی زنان از جهات کوناکون بهبود یافته و رفتار شوهران، مدیران، کارفرمایان و دیکر افراد جامعه با آنان انسانی‌تر و مطبوع‌تر خواهد شد. چراکه انتظار می‌رود در این مرحله از پیشرفت تمدن بشری، اهمیت‌دادن به ارزش‌ها و عواطف انسانی و رعایت حقوق بشر، باعث تحکیم موقعیت انسانی، اجتماعی و خانوادکی زنان می‌شود. متاسفانه واقعیات دنیای جدید، با وجود تبلیغات برنامه آن، خلاف این انتظار را تا حدودی نمایان کرده است. خشونت، یکی از شاخصه‌های مهم تمایز رفتارهای انسانی از رفتارهای غیرانسانی به شمار می‌رود. دنیای کنونی، به موازات صنعتی‌شدن و پذیرفتن مظاهر فرهنک و تمدن جدید که سرچشمه آن از غرب است، با ابعاد پیچیده‌تر و کسترده‌تری از خشونت علیه زنان درکیر است. تحقیقات نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۷۶ تنها ۱۰ درصد آمریکایان پدیده خشونت را جدی می‌دانسته‌اند، ولی تا سال ۱۹۸۳ این دو درصد آنها خشونت را جدی و مهم تلقی کرده‌اند. از طرفی رشد خشونت در این جوامع، موجب تولید و کسترش بیشتر فساد، انحرافات اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. برخی از دختران و زنان، به خاطر خشونت در خانواده کرفتار فحشا شده‌اند. بیشترین قربانیان خشونت در دنیای جدید، کودکان و زنان هستند. این نشان می‌دهد که در جوامع صنعتی، آن دسته از شهروندانی که به امنیت بیشتری نیازمندند، متأسفانه تا به حال کمتر مورد حمایت و حفاظت واقعی قرار کرفته‌اند. تازه‌ترین آمارها در کشور ژاپن نیز نشان‌دهنده افزایش شمار «همسران قربانی خشونت» است. اینها در حالی صورت می‌کیرند که «خشونت در محل کار»، هم‌اکنون جزء شایع‌ترین اشکال خشونت در جوامع پیشرفته صنعتی به حساب می‌آید. در این نوع از خشونت، زنان بیشترین قربانیان هستند. آنان با خشونت‌هایی از قبیل کتک‌خوردن، مجروح‌شدن، تجاوز جنسی، تهدید، ارعاب، اذیت جسمی، آزار روحی، فحاشی، اهانت‌های زبانی و توهین‌های غیرکلامی مواجه هستند.

تعریف آزار خیابانی

دو واژه آزار خیابانی و آزار جنسی از جهت مفهوم و مصداق بسیار به هم نزدیک هستند.

آزار جنسی، مفهومی روان‌شناختی است و ناظر به رفتاری لذت‌جویانه از سوی جنس مخالف (مردان) است که رنج و اذیتی را بر طرف مقابل (زنان) تحمیل می‌کند.

سازمان بهداشت جهانی در قطع‌نامه خشونت علیه زنان، آزار جنسی را چنین تعریف کرده است: هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، روانی یا رنج زنان می‌شود، چنین رفتاری می‌تواند با استفاده از تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی در جمع یا خفا رخ دهد.

بنابراین در ماهیت این مقوله، نارضایتی و عدم تحمل از سوی جنس مخالف وجود دارد. از این منظر، آزار خیابانی، هر نوع تخیّل جنسی است که در ملا عام، خارج از خانه و در اماکن عمومی به مرحله بیان و عمل رسیده و موجبات ایذت روحی و روانی فرد بزدیده را فراهم می‌کند.

خشونت خیابانی علیه زنان

درست در شرایطی که نیروی انتظامی با قدرتی ملازدنی و هزینه‌ای کزاف اقدام به ارشاد زنان به‌حجاب می‌نمایید، برخی مردان ایرانی بی‌باکانه و بدون ترس از برخوردهای قضائی، به آزار و اذیت زنان در کوچه و خیابان می‌پردازند. تفاوتی هم زنان کمی که پوشش شما جادر باشد یا مانتو، این خشونت آن‌قدر عریان است که بخشی از زنان آن را هر روز با تمام وجودشان حس می‌کنند و قدرتی برای مقابله با آن ندارند.

خشونت خیابانی، در تعریف بومی ایران، شامل رفتارهایی مانند «نکاه‌های آزاردهنده در معابر عمومی، مراحمت‌های کلامی از جمله متلک و هاهاهی هنکام رافرفتن در خیابان، تماس و لمس بدن در خیابان با وسیله نقلیه عمومی، بوق‌زدن و ایستادن اتومبیل‌های شخصی هنکام رافرفتن در خیابان و آزار و اذیت دیکر رانندکان هنکام رانندکی» می‌شود.

عکس‌العمل زنان در برابر این مزاحمت‌های خیابانی، اغلب با توجه به شرایط سنی آنان متفاوت است. تعداد زیادی از دختران جوان در برابر این آزارها، سکوت می‌کنند. چراکه از منظر جامعه آنان به دلیل نوع پوشش و آرایشان، مورد این مزاحمت‌ها قرار می‌کیرند و مقصر قلمداد می‌شوند. زنان مسن‌تر اما واکنش شدیدتری نشان می‌دهند، آنان معمولا از سوی افراد حاضر در محل مورد حمایت واقع می‌شوند.

بیشترین موارد خشونت نیز زنانی را شامل می‌شود که برای رفت و آمد خود از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند.

بسیاری از جامعه‌شناسان، علت فراوانی این پدیده را در ایران، تفکیک جنسیتی می‌دانند. آنان معتقدند جداسازی جنسیتی، سبب بیکانکی بین انسان‌ها می‌شود و همین مورد سبب می‌شود برقراری ارتباط میان دو جنس مخالف از راه‌های نامتعارف انجام شود.

همچنین ترکیب و شیوه تربیت خانواده‌های ایرانی به کونه‌ای است که دختران و پسران ترجیح می‌دهند به دور از چشم خانواده رابطه با جنس مخالف را تجربه کنند و چون مکان مناسبی برای این تعامل وجود ندارد، خیابان به مکانی برای تخلیه خواسته‌های جوانان تبدیل شده است. این پدیده، زمانی آزاردهنده‌تر می‌شود که کاهی پس از مراجعه زنان به مراجع انتظامی و قضائی برای شکایت از مردان مذکور، آنان مقصر قلمداد می‌شوند.

اعمال خشونت علیه تمامیت جسمانی و معنوی زن واقعیتی است که باید با پذیرش آن به راه‌های پیشکیری و درمان آن اندیشید. قانون‌کذار ایران به خشونت‌های فیزیکی و روانی بدون توجه به جنسیت بزدیده و کانون اعمال خشونت، وصف کیفری بخشیده است و در موارد انکشت‌شماری، وضعیت بزدیده زن را موجب تخفیف مجازات مرتکب یا معافیت از مجازات دانسته و کاه نیز به جرم‌انکاری اعمال خشونت صرفا نسبت به زن روی آورده است.

چه باید کرد؟

اکر در حوزه سیاست، دموکراسی جایکزین بحق چرخه خشونت است، در زندکی زنان و مردان ایرانی نیز باید جدی به ضوابط حقوقی پشت کوچه کرد. زنان می‌توانند با نقد برخی سنت‌ها نشان دهند که سنت‌ها خشونت علیه زنان را توجیه می‌کنند. لزوم ارائه خدمت به قربانیان خشونت بسیار مهم است. اما تا تحقق